

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۸ اپریل ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

اول ماه مه و چشم انداز اعتراضات کارگری

اول ماه مه، روز جهانی کارگر فرا می‌رسد. روز سه‌شنبه آینده، میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان دست از کار می‌کشند و با برپائی تجمعات، راهپیمائی و تظاهرات، اتحاد و همبستگی بین‌المللی خود را در مبارزه برای برانداختن نظم سرمایه‌داری و استقرار نظامی سوسیالیستی که در آن استثمار، ستم، نابرابری، فقر، گرسنگی و بیکاری برمی‌افتد، به نمایش می‌گذارند.

در ایران، رژیم جمهوری اسلامی که دیکتاتوری عریان طبقه سرمایه‌دار حاکم بر کشور است، با سلب ابتدائی‌ترین آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم ایران، همواره مانع از آن شده است که طبقه کارگر آزادانه و علنی، روز اول ماه مه را با تجمعات و راهپیمائی‌های خود جشن بگیرد و مطالبات خود را طرح کند.

با این همه به‌رغم اختناق و استبداد حاکم، کارگران ایران همواره کوشیده‌اند در اشکال علنی، نیمه علنی و حتا برگزاری مخفیانه مراسم اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی خود را جشن بگیرند و نشان دهند که کارگران سراسر جهان یک پیکر واحدند، اهداف و منافع واحدی دارند و دشمن آن‌ها در همه کشورها گیتی طبقه سرمایه‌دار است. برانداختن این طبقه و دگرگونی بنیادی نظم سرمایه‌داری هدف و وظیفه مشترکی است که در برابر تمام کارگران قرار دارد. امسال نیز به روال سال‌های گذشته، رژیم دیکتاتوری پاسدار منافع سرمایه‌داران ایران، مانع از آن شده است که کارگران بتوانند آزادانه، مراسم روز همبستگی جهانی خود را برگزار نمایند.

معهدا کارگران به ویژه قشر پیشرو و آگاهتر کارگری در هفته‌ای که گذشت، در حال ارزیابی چگونگی برگزاری جشن اول ماه مه امسال بود.

چرا که اول ماه مه امسال از دو جهت، متفاوت با سال گذشته است. اولاً، در نتیجه وخیم‌تر شدن شرایط مادی و معیشتی عموم کارگران و بیکارسازی‌های گسترده، بر دامنه اعتراض و نارضایتی کارگران به شدت افزوده شده است و آمادگی بیش‌تری در میان کارگران برای ابراز علنی مخالفت خود با نظم موجود در اول ماه مه، به‌رغم تمام اقدامات سرکوبگرانه و بازدارنده رژیم دیکتاتوری حاکم پدید آمده است.

ثانیاً، وزارت کشور رژیم جمهوری اسلامی که نگران اعتراضات علنی در اول ماه مه امسال است، تاکنون به تشکل دست‌ساز و وابسته به رژیم، موسوم به خانه کارگر نیز اجازه برگزاری تجمع و راهپیمایی دولتی را نداده است. نکته اما این‌جاست که این اقدام در شرایطی که تضادهای درونی هیأت حاکمه حاد شده‌اند، خانه کارگر برای تقویت موضع باندهائی که به آن‌ها وابسته است، اعلام کرده است که چنان‌چه وزارت کشور از دادن اجازه برگزاری مراسم دولتی خودداری کند، یک تجمع و راهپیمایی را بدون اجازه وزارت کشور در تهران از جلو خانه کارگر برگزار خواهد نمود.

در هفته‌ای که گذشت کشمکش خانه کارگر و وزارت کشور ادامه داشت.

محبوب، دبیر کل این تشکل دولتی گفت: در صورت عدم ارائه مجوز راهپیمایی از سوی وزارت کشور تجمع کارگران در خانه کارگر برگزار می‌شود. عناصر دیگر وابسته به این تشکل دولتی هم اعلام کرده‌اند، راهپیمایی نیاز به اجازه ندارد و این راهپیمایی‌ها برگزار می‌شود.

این اظهار نظر خانه کارگری‌ها در عین حال بازتاب نگرانی آن‌ها از روی‌آوری خودانگیخته کارگران به تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی نیز هست. لذا خانه کارگری‌ها می‌خواهند اعتراضات کارگری را به نحوی کنترل کنند. با توجه به مجموعه این شرایط است که می‌توان گفت، کارگران از این آمادگی برخوردارند که در روز اول ماه مه امسال به اعتراضات علنی در خیابان‌ها روی آورند. لذا نقش فعالان و پیشروان کارگری در سازمان‌دهی و برپایی این اعتراضات بیش از هر زمان دیگر برجسته می‌شود.

بخش پیشرو و آگاه کارگری با بهره‌برداری از این شرایط قطعاً بر تلاش خود برای برپایی علنی مراسم اول ماه مه توسط خود توده‌های کارگر خواهد افزود. این توده‌های کارگر هستند که باید اول ماه مه را تعطیل کنند، تحت هیچ شرایطی به سرمایه‌داران و دولت اجازه ندهند که آن‌ها را مجبور به کار در روز کارگر نمایند. این توده‌های کارگر هستند که باید در اول ماه مه به خیابان‌ها بریزند و همبستگی علنی خود را از طریق راهپیمایی و تظاهرات، با هم‌نحیران خود در سراسر جهان نشان دهند.

در هر کجا که توده‌های کارگر برای برپایی مراسم اول ماه مه اقدام می‌کنند، بخش پیشرو و آگاه جنبش کارگری باید ابتکار عمل را به دست گیرد و مطالبات و شعارهای طبقه کارگر را مطرح نماید.

با آرزوی موفقیت در این مبارزه، اول ماه مه بر کارگران خجسته باد

مرحله دوم هدفمندسازی یارانه‌ها و ۲ تا ۴ برابر شدن قیمت‌ها

از شواهد امر چنین پیداست که به رغم اختلافات میان مجلس و دولت بر سر چگونگی اجرای مرحله دوم آزادسازی قیمت‌ها، این پروژه پس از تصویب لایحه بودجه در نیمه دوم اردیبهشت ماه [ثور]، احتمالاً از خرداد ماه به مرحله اجراء درخواهد آمد.

سختگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس، اعلام کرد که مرحله دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها باید پس از تصویب بودجه سال ۹۱ اجرائی شود. وی در عین حال افزود که دبیر ستاد هدفمندسازی یارانه‌ها برای توضیح در رابطه با ۱۳۵ هزار میلیارد تومانی قانون هدفمندی یارانه‌ها به کمیسیون تلفیق فرا خوانده شد که اکثر نمایندگان از توضیح وی قانع نشدند. به این اساس روشن است که دولت قصد دارد به همان میزان که در فاز نخست کالاها را گران کرد، بر قیمت کالاها بیفزاید و درآمد دولت را از این بابت به دو برابر افزایش دهد. نکته جالب توجه این که نمایندگان مجلس ارتجاع هم به خوبی می‌دانند که اجرای فاز دوم چه بر سر مردم ایران خواهد آورد، با این همه،

اجرای آن در دستور کار قرار گرفته است. سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس می‌گوید: "اگر فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرایی شود، کنترل از دست دولت خارج و نارضایتی اقتصادی افزایش می‌یابد و سیستم اقتصادی مختل می‌شود."

روز سه‌شنبه این هفته نمایندگان دولت و سرمایه‌داران نیز در یک جلسه علنی مجلس حاضر شدند تا برای آخرین بار هر یک از طرفین نظرات و ادعاهای خود را بر سر این مسأله اعلام کنند.

نمایندگان مجلس در نطق‌های خود مخالفتی با اجرای مرحله دوم نداشتند، بلکه بر سر چگونگی پیشبرد آن با نمایندگان دولت اختلاف داشتند. نادران عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت، موضوع اصلی این جلسه تبادل نظر پیرامون هدفمندی یارانه‌ها بود که باید یک ارزیابی از مرحله اول می‌داشتیم و سپس نسبت به فاز دوم تصمیم‌گیری می‌کردیم. وی افزود: چندین تخلف دولت در مرحله اول آثار تورمی افزایش قیمت‌ها را تشدید کرد و از جمله ۱۲ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی استقراض نمود.

سخنگوی کمیسیون صنایع در بحث خود نتیجه گرفت که قرار بود در فاز اول همه چیز بهبود یابد، "اما در عمل به آنچه می‌خواستیم نرسیدیم."

رئیس کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی نیز افزود: مجلس در ابتدای اجرای این قانون از رکود و بیکاری نگران بود که پس از اجراء آثار ناگواری در بخش تولید مثل بیکاری و کاهش نرخ رشد رخ داد، نقدینگی هم افزایش پیدا کرد و سبب بالا رفتن قیمت‌ها شد.

سپس نوبت به رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس رسید که وی هم بگوید می‌دانستیم چه می‌شود، اما هدفمندی یارانه‌ها را تصویب کردیم. وی گفت در همان زمان پیش‌بینی کردیم که نرخ تورم به حدود ۶۰ درصد خواهد رسید. اکنون هم اعتراض مردم از تورم و گرانی بسیار شدید است. آن‌قدر گرانی زیاد شده که به گوجه فرنگی نارمک هم رسیده و صدای دولتی‌ها نیز از این گرانی‌ها درآمده است.

سؤال اکنون این است، شما که می‌دانستید، اجرای آزادسازی قیمت‌ها و گران کردن بهای کالاها، روزگار مردم ایران را سیاه‌تر از گذشته خواهد کرد، چرا آن را تصویب کردید؟ آن‌ها البته جز این که خرابی اوضاع را به تخلفات دولت ارجاع دهند، پاسخی ندارند. اما پاسخ درست و واقعی این است که نمایندگان مجلس ارتجاع، نوکران و مجریان سیاست‌های سرمایه‌داران ایران و جهان و صندوق بین‌المللی پول هستند. آن‌ها چاکران گوش به فرمان خامنه‌ای هستند که از مدافعین سرسخت سیاست نئولیبرالیسم اقتصادی و از جمله آزادسازی قیمت‌هاست. این‌هاست دلیل این که چرا با وجودی که از قبل می‌دانستند، این سیاست به گفته توکلی تورم ۶۰ درصدی را به بار می‌آورد و به گفته رئیس کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی، منجر به اخراج‌های وسیع خواهد شد، طرح به اصطلاح هدفمندی یارانه‌ها را تصویب کردند و اکنون باز هم در پی تصویب اجرای مرحله دوم آن هستند.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس اضافه می‌کند که در فاز دوم اگر نه ۱۳۵ هزار میلیارد تومان پیشنهادی دولت، بلکه ۷۲ هزار میلیارد تومان، درآمد دولت از هدفمندی مرحله دوم تعیین شود، قیمت‌ها بین دو تا ۳ / ۴ برابر خواهد شد. وی افزود: "نماینده دولت در کمیسیون گفته است که اگر با پیشنهاد دولت موافقت شود، قیمت هر متر مربع آب ۳۵۰ تومان می‌شود. قیمت هر متر مربع گاز از ۷۰ تومان به ۳۵۵ تومان می‌رسد و بهای برق از ۴۵ تومان به ۱۴۲ تومان افزایش می‌یابد."

ناگفته نماند که دولت حتی می‌خواهد بهای بنزین را در داخل، بیش از آن چیزی تعیین کند که به خارجی‌ها می‌فروشد. رئیس اتاق بازرگانی هم به نمایندگی از سرمایه‌داران، خواستار پرداخت ۳۰ درصدی درآمد دولت از گران کردن کالاها شد.

نمایندگان دولت، از جمله وزیر صنعت و معدن و تجارت، وزیر جهاد کشاورزی و دبیر ستاد هدفمندسازی یارانه‌ها نیز، اجرای این برنامه را یک "انقلاب بزرگ" نامیدند. گفتند که تأثیر آن بر تورم ناچیز بوده و مهم‌تر این که عدالت را برقرار نموده، سهم اغنیا از یارانه‌ها کمتر شده و سهم فقراء افزایش یافته است.

این هم از اظهارات نمایندگان دولت در مورد اجرای طرحی که در طول یک سال، با تورمی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد، زندگی را بر توده‌های کارگر و زحمتکش تباه کرده است.

سرانجام، باهنر، نایب رئیس مجلس که در غیاب لاریجانی بر کرسی ریاست نشسته بود، نطق اختتامیه را ایراد نمود، از دولت تشکر کرد و گفت: "دولت در نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بسیار خوب عمل کرده و نتایج خوبی نیز به دست آورده است." کاری که دولت باید انجام دهد، این است که سریع‌تر سهم سرمایه‌داران بخش خصوصی را بدهد. در مرحله دوم نیز به جای افزایش نقدی یارانه‌ها، و عده‌های نسبه به مردم بدهد. لذا نتیجه گرفت که در این مرحله "به جای افزایش نقدی سهم خانوارها، سایر مشکلات خانوارها را حل کند و می‌تواند از این پس ارائه یارانه به مردم با افزایش میزان یارانه‌های نقدی انجام نشود."

پس تمام نزاع مجلس و دولت به این جا انجامید که دولت سریع‌تر سهم سرمایه‌داران بخش خصوصی از درآمدهای حاصل از گران کردن کالاها را بدهد. می‌تواند باز هم کالاها را گران‌تر کند و به چند برابر افزایش دهد، اما از این پس دیگر یارانه نقدی افزایش نیابد و در ازای آن و عده نسبه به مردم داده شود، تحت این عنوان که "سایر مشکلات" را حل کند، یا گویا در خدمت اشتغال جوانان، تأمین اجتماعی و مسکن صرف شود. یعنی و عده‌های پوشالی پوشالی. در پی این اجلاس اعلام شد که دولت پس از تصویب لایحه بودجه مرحله دوم، گران کردن کالاها را می‌تواند آغاز کند. مردم ایران، اکنون باید منتظر باشند تا با تصویب بودجه، دولت مجدداً کالاها را حامل انرژی و برخی کالاها را دیگر را به چند برابر افزایش دهد و دور دیگری از گرانی عمومی کالاها آغاز گردد.

تفاوت دستمزد اسمی و واقعی کارگران از زبان آماربانک مرکزی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی که سال‌ها با انتشار آمار غیر واقعی در مورد نرخ رشد تورم می‌کوشید بر کاهش مداوم دستمزد واقعی کارگران و تنزل سطح معیشت آن‌ها سرپوش بگذارد، در گزارش جدید خود، به تفاوت حدوداً ۵۰ درصدی حداقل دستمزد اسمی و واقعی، در هر سال اعتراف کرده است.

به اساس این گزارش، در حالی که حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۷، ۲۱۹ هزار تومان تعیین گردید، دستمزد واقعی کارگران با در نظر گرفتن متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، ۱۱۹ هزار تومان بوده است. به این اعتبار، بانک مرکزی تفاوت حداقل دستمزد اسمی و واقعی را ۱۰۰ هزار تومان اعلام می‌کند.

در سال ۸۸، حداقل دستمزد اسمی ۲۶۳ هزار تومان بود، اما به طور واقعی این دستمزد ۱۲۹ هزار تومان بوده است که یک اختلاف ۱۳۴ هزار تومانی را در کاهش دستمزدها نشان می‌دهد. گزارش بانک مرکزی حاکی است که اختلاف میان دستمزد اسمی و واقعی در سال ۸۹، در نتیجه تورم به ۱۷۰ هزار تومان رسید.

بانک مرکزی هنوز آمار سال گذشته را که این تفاوت به مراتب بزرگتر از سال‌های پیش خواهد بود، انتشار نداده است.

ارقام ارائه شده از سوی بانک مرکزی پیرامون اختلاف دستمزد اسمی و واقعی کارگران به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد که سال به سال، در نتیجه افزایش نرخ تورم، پیوسته دستمزد واقعی کارگران کاهش یافته، سطح معیشت آن‌ها تنزل نموده و فقیرتر شده‌اند.

اگر فقط اختلاف میان دستمزد اسمی و واقعی کارگران را آن‌گونه که بانک مرکزی در طول سه سال اعلام نموده مد نظر قرار دهیم و سال ۹۰ را که بالاترین نرخ تورم را در این چند سال داشته، بر آن بیفزائیم، حتا طبق همین آمار می‌بایستی حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری که چشم‌انداز تورم آن بیش از ۵۰ درصد خواهد بود، رقمی بین یک تا یک و نیم میلیون تومان باشد. اما این حداقل دستمزد در سال جاری ۳۸۷ هزار تومان تعیین شده است که یک سوم تا یک چهارم دستمزدی است که حتا طبق محاسبات بانک مرکزی، می‌بایستی به عنوان حداقل دستمزد اعلام می‌شد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی در طول تمام سال‌های گذشته، هر زمان که مسأله تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال بعد مطرح بود، همواره تلاش کرده است تا با اعلام رقمی ناچیز به عنوان نرخ تورم، مانع از افزایش دستمزد کارگران لاقط طبق نرخ واقعی تورم گردد. اکنون همین بانک مرکزی دروغ‌پردازی‌های گذشته خود را برملا می‌کند و از کاهش مداوم دستمزد واقعی کارگران به علت تورم خبر می‌دهد.

این که بانک مرکزی همین گزارش را نیز پیش از تعیین حداقل دستمزد کارگران در اواخر اسفند ماه سال گذشته انتشار نداد، شایدهی سران و مقامات جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد.

روشن است که ارقام و آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی در مورد اختلاف میان حداقل دستمزد واقعی با اسمی، فقط یک جنبه از کاهش دستمزد واقعی کارگران را نشان می‌دهد. به همان نسبتی که گزارش بانک مرکزی، این تفاوت را در سطح حداقل دستمزد نشان می‌دهد، شامل کل دستمزد عموم کارگران و زحمتکشانشان می‌گردد. کارگری که در هر ماه در سال ۸۹، ۶۰۰ هزار تومان به عنوان دستمزد اسمی دریافت می‌کرد، دستمزد واقعی‌اش رقمی بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان بوده است و حدوداً نیمی از قدرت خرید خود را از دست داده است.

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی از طریق بانک مرکزی‌اش رسماً اعلام کرده است که چه فاجعه‌ای برای توده‌های کارگر و زحمتکش به بار آورده و مدام بر ابعاد فقر مطلق افزوده است، فرصت مناسبی است که کارگران مبارزه خود را برای افزایش دستمزد به نحوی که تأمین‌کننده هزینه‌های یک خانواده ۵ نفره باشد تشدید کنند.

کارگران برای پیروزی در این مبارزه به اتحاد و تشکل نیاز دارند. هر کارگری باید به خوبی این حقیقت را دریافته باشد که اگر سرمایه‌داران و دولت توانسته‌اند در طول سال‌های گذشته همواره دستمزد واقعی را کاهش دهند و کارگران را به فقر و بدبختی کمرشکنی سوق دهند، یکی از دلایل مهم آن، بی‌سازمانی طبقه کارگر است. اگر طبقه کارگر، تشکل‌های مستقل خود را می‌داشت، سرمایه‌داران و دولت آن‌ها به این سادگی نمی‌توانستند، این همه فقر و فشار را به طبقه کارگر تحمیل کنند و استثمار را تشدید نمایند. مبارزه پیروزمندانه برای افزایش دستمزد نمی‌تواند از تلاش و مبارزه برای تشکل‌های مستقل جدا باشد. پیروزی کارگران در هر مبارزه‌ای علیه سرمایه‌داران و دولت آن‌ها به اتحاد و تشکل نیاز دارد.